

## تاریخ ظهور و پیدایش مذاهب و ادیان

### دین سلام

نوشته: بهرام بیک میرزاده

۲۸ جون ۲۰۱۵

گلگری- کانادا



پیش از اینکه به پیدایش دین اسلام بپردازیم ضرور است در مورد مردم عرب کمی مکث شود تا بدانیم که عربها از کدام قوم و چگونه درین شبه جزیره متوطن شده اند و چگونه زندگی داشتند .

قوم عرب از حیث خون و نژاد خود وحدت کامل ندارند . قبل از پیدایش اسلام عربستان شمالی با ممالک همجوار خود تماس و آمیزش چندان نداشته و هیچگاه ملک آنها را ممالک اجنبی تصرف نکرده اند . مردم عرب زندگی بدوی داشتند و آهسته آهسته از طرف جنوب و جنوب غربی مردمان دیگر درین منطقه سرزیر شدند که حبشیها از دریای سرخ عبور نموده و در صحراها و ساحلی آن سرزمین متوطن شدند و بعدها در اثر حملات که در عصر یکهزار و دو قبل از میلاد از شمال غربی نژاد سومری ها ، بابلیها ، و پارس ها را در آن سرزمین سرزیر نمود و از طرف دیگر از جنوب غربی مصریان وارد آن سرزمین شدند که اختلافات گوناگون بوجود آمد و از جانب دیگر یهودیان نیز از دشمنان خود یعنی آشوریها ، بابلیها ، یونانیان و رومیان فرار نموده و درین سرزمین سکونت پیدا نمودند و به کشت و زراعت مشغول شدند . البته باوجود اختلافات در آن زمان مکه جای عبادتگاه همان مردمان بود که سه خدا را پرستش میکردند نخست لات یعنی الهه مونث (خدای آفتاب ) دوم منات یعنی خدای سرنوشت و زمان و سوم عزی یعنی کوب صجی که از عقیده به ونوس میباشد و شهر مکه عزت خاص برای مردم عرب داشت و پرستش سنگ سیاه (حجرالاسود) که از آسمان افتیده بود در یک خانه که بعدها بنام خانه کعبه مسمی شد در صدر عبادتگاه قرار داده بودند و مردم از دور و نزدیک و اطراف به آنجا آمده و سنگ را بوسیده و قربانی گوسفند و شتر را ذبح کرده و سپس از آن خیر و برکت آرزو میکردند و این سفر و عمل را حج مینامیدند و در مورد حجرالاسود بعد از اسلام برای ماندن آن در جای مناسب در خانه کعبه بین بزرگان قوم عرب نزاع پیدا شد بالاخره تمام بزرگان قوم موافق شدند که حضرت محمد ص آنرا جابجا سازد که چنین کار صورت گرفت .

در مورد خانه کعبه روایت است که مکیان معتقد بودند که خانه کعبه را به یکی از آبای باستانی ایشان موصوم به ابراهیم زملنیکه بدیدن فرزند خود اسماعیل به آن وادی آمده بود بناء نهاد و حجرالاسود را در جای مناسب در درون آن گذاشت و در چند قدمی خانه کعبه چاه زمزم قرار دارد و قرار روایت زمانیکه قبیله جرهم از قبیله خزاعه شکست خوردند

در جریان برآمدن از شهر یک شیخ قبیله چند پارچه زره و دو دانه آهوی طلائی و شمشیر را در آن چاه انداخته و سر آن را پوش نموده و بعداً قبیله قریش بر خزاعه غالب آمدند که رئیس شان عبدالمطلب جد حضرت محمد «ص» محل چاه را کشف کرد ولی مکیان در مورد چاه روایت دیگری دارند که هاجر کنیز ابراهیم که طفل خورد یعنی اسماعیل در بغل داشت و به این منطقه آمده از فرط تشنگی طفل را به زمین گذاشته و در جستجوی آب شده و طفلک از تشنگی زیاد پای بر زمین می‌کوبد تا که آب از زمین پیدا میشود و این چاه بوجود آمده است. که حاجیان به تذکار این حادثه علاوه بر طواف در داخل عمل دیگری می‌آورند که آنرا (سعی) گویند و این عبادت هفت بار به سرعت بین دو کوتل (صفا و مروه) که در نزدیکی کعبه است یعنی به تقلید هاجر بین دو کوتل می‌دوند.

قبایل عرب هر کدام بت های خود را بداخل خانه کعبه در پهلوی لات و منات و عزی که خدای غیب و پنهان موصوم به الله بود برای او شبه و نظیری قایل نبودند می‌گذاشتند و بعد از عبادت دوباره گرفته به خانه باخود می‌بهرند. و در آن زمان بالای سر پرستی کعبه بین قبیله خزاعه و قبیله قریش جدال پیدا شد بالاخره قبیله قریش مغلوب شدند. و بعدها در بین قریش یعنی بنی امیه و بنی هاشم بر سر تفوق مقام مذهبی بر قرار بود که در بین کشمکش محمد در خاندان قریش بدنیا آمد و پدرش پیش از ولادت او وفات نمود بعد از شش ماه مادرش نیز دنیا را وداع گفت و حضرت محمد تعلق به جدش عبدالمطلب گرفت بعد از وفات عبدالمطلب کاکایش ابوطالب سرپرستی آنرا بدوش گرفت زمانیکه محمد به سن بلوغت رسید از بسیاری معتقدات، آداب و رسوم جامعه خویش نیامد ولی مشاهده می‌کرد. از مراسم زشت یعنی شرابخوری، قیمار و رقص متنفر بود و درین ایام محمد با یک کاروان به سفر تجارت به عجاز، فلسطین و شام رفت بعد از عودت با خانم خدیجه که زن ثروتمند بود ازدواج کرد و ثمره از دواج شان دو پسر که در کودکی وفات نمودند سه دختر باقیمانند که در جریان حیاتش ازدواج نمودند یعنی خاتون زینب در عقد نکاح ابوالعاس و رقیه به عقد نکاح عثمان خلیفه سوم و بی بی فاطمه به عقد نکاح علی پسر عمویش درآمدند و حضرت محمد علی را به فرزنی گرفته بود که از نخستین مومنان بود. حضرت محمد درین هنگام چهل سال از عمرش گذشته بود که در فکرش روز قیامت قوت گرفت و بالاخره سر به صحرا زد و در غاری که در کوه حرا در چند کیلومتری شمال مکه واقع است رفته چند روز را در آنجا عزلت گزید و به عبادت پرداخت تا اینکه در شب درازترین شبها بود و عربها آنرا بنام شب لیلت القدر نام داده اند جبرائیل برایش وحی آورد و گفت بخوان محمد گفت چه بخوانم گفت بخوان (اقره باسم) بعد محمد هیجان زده بخانه رفت و در شک و تعین قرار گرفت و بار اول این مطلب را به خدیجه گفت همانطوریکه فرشته آسمانی به حضرت موسی نازل شد بر محمد نیز چنان شد بعداً حضرت محمد (ص) موضوع را به خویشاوندان و نزدیکان خود اظهار نمود و سر انجام حضرت محمد (ص) به شهر بر آمد و بنام الله الرحمن الرحیم آیات وحی را خواند و مردم مکه آنرا به مسخره گرفتند گفتند که او دیوانه شده است و بعد از چندی قوم بنی امیه بریاست ابوسفیان بر آن شدند که محمد هرچه زودتر از بین برده شود و چند نفر را به تعقیب محمد انداختند حضرت محمد از موضوع واقف یشد با ابوبکر از شهر خارج میشوند در غار کوه ثور خود را پنهان نمودند و تعقیب کنندگان آنها را پیدا نکردند و ایشان ذریعه اشتراک بطرف بئرب حرکت نمودند بعد از هشت روز به آنجا رسیدند که این اولین هجرت حضرت محمد (ص) بود. همینکه کمی قدرت یافت شهر یثرب را بنام (مدینه النبوی) نام نهاد و معروف گشت و اولین کاری که کرد اعمار عبادتگاه را بنام نهاد و اولین مسجد اسلام بود که حضرت محمد (ص) در اعمار آن سهم داشت و نماز های هفتگی را در روز جمعه معمول ساخت. حضرت محمد بخاطر تحکیم مواضع خود و دفاع از حملات دشمنان مردم را بدور خود جمع نمود و طی یکسال اقامت در آنجا خود را برای وقایع آینده آماده ساخت و در سال دوم جنگ بدر بوقوع پیوست. بدر اسم چهار راهی است که در آن زمان شخصی بنام بدر ابن نجلا از اجداد قریشیان است و جنگ احد در سال سوم واقع شد که در کوه احد در نزدیکی مدینه است. و جنگ خندق که مردم مکه لشکر عظیمی را تدارک دیدند و بالای شهر مدینه حمله کردند و شهر را محاصره نمودند حضرت محمد به کمک سلمان فارس (ایرانی) اولین شخص ایرانی بود که بدین اسلام مشرف گردید و در اطراف شهر خندق اعمار نمود ازینرو آنرا جنگ خندق گویند و سلمان فارس در سال 35 هجری قمری وفات نمود و حضرت محمد موفقانه ازین جنگ ها بدر آمد و این موفقیت باعث شد که دین اسلام گسترش یافت.

بعد از وفات حضرت محمد (ص) و قطع وحی اطرافیان آن حضرت یعنی ابوبکر و عثمان نسخه ها و نوشته های پراکنده و متفرق را گرد آوردند و باز نویسی شوند ابوبکر به سفارش عمر شخصی بنام زید این ثابت مامور ساختند که این واقعه

مهم را به پایان برساند و او مجموعه را گرد آورد و در عهد خلافت عثمان (رض) آن مجموعه مورد مطالعه هیئتی از اشخاص صاحب صلاحیت قرار گرفت زیر نظریات کتاب وحی در آنظر کردند و نسخه جامع و کامل از آن ترتیب دادند و نسخه های قبلی را از بین بردند و قران کریم را برای امت اسلام عرضه داشتند و بعدا اختلافات ناشی از کیفیت تفسیر علمای اسلام بوجود آمد ولی اصول آنرا به سه قاعده کلی مندرج ساختند .

1 - ایمان با عقیده قلبی کلمه معروفی که اصل نخستین عقیده اسلامی است و عبارت از کلمه طیبه (لااله الا الله محمد رسول الله)

2 - عبادت یعنی عمل به ارکان : تکالیف شرعی که رکن دوم عبادت سلامی است که مشتمل بر پنج رکن اسلامی است 1- کلمه 2- نماز 3 -ذکات (صدقه دادن) 4 -روزه (صوم) 5--حج.

3--عمل خیر و خوب : عمل صالح که کردار و رفتار خود را مطابق هدایت قران عیار سازد . که مجاهدین افغان ماده سوم را سخت مورد توجه خود قرار داده و خود را عیار ساختند و از عمل نیک یعنی چور و چپاول ملاک عمل خود قرار داده و مطابق هدایت قران راه صراط المستقیم اختیار نمودند و برای شان زندگی مرفع بوجود آوردند .

حضرت محمد(ص) برای اولین بار با پیروزی اسلام در شبه جزیره عرب مردم عرب را متحد ساخت و نیروی جنگی قوی ایجاد نمود و اسلام را در ممالک همجوار نیز پخش نمود ولی بعد از وفات حضرت محمد که مورخین نیز با تعجب به آن مرگ ناگهانی اشاره میکنند واقعا مرگ ناگهانی بود اختلافات بین مسلمانان از انزمان آغاز شد بخاطریکه این اختلافات بر سر جانشینی آن حضرت پیدا شد و این نقطه را بعضی از اطرافیان با قدرت انزمان به بهانه های مختلف برای غصب قدرت از راه های اغواء و فریب بالای مردم عرب در زمان تدفین آن حضرت قبولانند و حضرت ابوبکر را جانشین آن تعیین نمودند که در آنوقت حضرت علی غرض حل بعضی از مشکلات به کوفه اعزام شده بود که حتی منتظر آمدن آنها نشدند که از اهل خاندان آن حضرت بود .

ابوبکر که نام اصلی آن عبدالله ابن ابی قحاف ملقب به الصدیق پدر عایشه زوجه حضرت محمد (ص) میباشد که دوره خلافت آن دو سال نرسیده بود وفات نمود . ابوبکر در دوران دوساله خود سه کار انجام داد . 1- جمع آوری نسخه های قران . 2- مشایخ عرب که در جانشینی مخالفت داشتند تحت انقیاد خود د راورد . 3- ایجاد سه لشکر ده هزار نفری ولی ثمره آنرا ندید .

بعد از وفات ابوبکر خلیفه دوم عمر (رض) انتخاب گردید وی سپاه غازیان عرب که تحت قومندانی خالد بن ولید بود قیادت میکرد که بعدها سر نوشت ممالک خاور نزدیک را دگرگون ساخت و بالاخره در سال (24هجری قمری) مطابق (644م) از طرف شخص صنعتگر بنام ابولولو در وقت نماز بشهادت رسید . و خلافت به حضرت عثمان تعلق گرفت و حضرت عثمان تا سال 38هجری قمری مطابق 658 م) خلافت کرد وی از قبیله بنی امیه بود و شخص ضعیف و ناتوان بود که در برابر فشار اقارب نمیتوانست مقاومت کند بالاخره اختلافات نارضایتی های مسلمانان شدت یافت و این اختلافات باعث شهادت وی گردید . بعد از عثمان داماد دیگر پیغمبر حضرت علی ابن ابوطالب جانشین عثمان شد . علی (ع) در سال 38هجری قمری مطابق 658 م) بخلافت رسید و عایشه دختر ابوبکر باوی مخالفت ورزید همچنان معاویه ابن ابوسفیان که در آنوقت والی شام بود و از طایفه اموی بود نیز با علی مخالف بود و علی مرکز خلافت را از مدینه به کوفه انتقال داد که در بین اصحاب علی اختلاف بوجود آمد با بین کشمکش ها علی نیز در مسجد کوفه در جریان نماز از طرف شخص بنام عبدالرحن ابن ملجم بشهادت رسید و بدینگونه خلافت هاشمی به بدست بنی امیه(امویان) افتاد که معاویه از دمشق سراسر اسلام را کنترل مینمود و بعد از ختم خلافت چهار مذهب در اسلام بوجود آمدند . و هر کدام شان را بطور خلص توضیح میدهم .

1 - مذهب حنفی : این مکتب را شخصی بنام ابوحنیفه نعمان که در سال (82 - 155 هجری قمری مطابق 779 - 799 م) در بغداد وفات نمود که یک عالم ایرانی بود در عراق زندگی میکرد و این مکتب را تاسیس نمود وی تعالیم

خود را از قرآن شروع نمود و احادیث را کمتر توجه داشت و سعی کرد احکام خود را در امور مربوطه به احوال و اوضاع مرتبط با قیاس قرآن تطبیق میکرد مثال حکمی که در اسلام برای دزد قطع دست صادر میکرد ولی مذهب حنفی آنرا مردود شمرده به حبس وی حکم میکند .

**2 - مذهب مالکی :** مالک بن انس الاصبیحی المدنی در سال (93 - 179 هجری قمری مطابق 715 - 795 م) در مدینه متولد گردید او عالمی بود این مکتب را ایجاد کرد وی احکام و عبادات را بر پایه موازین قرآن توأم قرار داده و قاعده اجماع را پیروی مینمودند که آن قاعده از صدر اسلام در مدینه رایج بوده است مالک در مسایل بسیار غامض اصل قیاس را ملاک قرار میداد . اگر قیاس و اجماع در امری تعارض میکردند وی قاعده نفع عام را حاکم قرار میداد .

**3 - مذهب شافعی :** محمد بن ادريس الشافعی در سال 150 - 204 هجری قمری مطابق 767 - 820 م) وی یکی از دانشمندان عربی الاصل از خاندان قریش و متولد ایران که این مکتب را ایجاد نمود و این مکتب برای حیث اہیت بیشتری قابل بود و اگر تعارض بین حدیث و قرآن حاصل میشد اصل حدیث را ارجعیت میداد و شافعیان مجموعه احیث را مظهر تمدن اسلامی میدانند و دیگری هم دانشمند بزرگ محمد غزالی که پیرو این مکتب بود که نام اصلی او ابو حامد محمد بن محمد غزالی متولد سال (450 - 505 هجری قمری) ناحیه طوس خراسان است که ناگهان در چهل سالگی خلاف آن مکتب قیام کرد و خود مکتب کلام خاص ابلاغ کرد که بین اصحاب رائی و اصحاب حدیث تلیف میکند و پایه عقاید او بر بن مبادی است که باری تعالی نه فقط واحد است بلکه کل فی الکل است که ذات الهی به هفت صفت تعریف شده حیات ، علم ، قدرت ، اراده ، سمع ، بصر و کلام است . غزالی دو کتاب را بزبان عربی و فارسی

برشته تحریر در آورد یکی بنام (احیا علوم الدین و کیمیای سعادت) بود

**4 - مذهب حنبلی:** این مکتب از مکاتب سه گانه دیگر ظاهری تر و خشکتر است و این مکتب از طرف شخص بنام احمد بن حنبل در سال (164---241 هجری قمری مطابق 780 - 855 م) که در طلب احادیث و اخبار دینی در اطراف ممالک شام و یمن مسافرت نمود و خودش یکی از آگاهان مکتب شافعی بود. موصوف از وضع اجتماعی بغداد که در انوقت هارون الرشید به عیش و نوش میگذراند که کتاب (مسند) از کتاب معظم علم حدیث است او هیچگونه تاویل و تفسیری در آیات قرآن جایز نشمرده است فقه و عبادات مذهب حنبلی در مکه و سراسر کشور سعودی معمول و منبع است . زیرا که نهضت و هابیت در دو صد سال قبل برای احیای ذہب حنبلی بوجود آمد

وهابی از فرقه های جدید اسلام است که یکی از متفکران عرب بنام محمد بن عبدالوهاب در سال (1115 - 1252 هجری قمری مطابق 1702 - 1787 م) تاسیس کرد ولی امروز پیروان ان مبادی مذهب رسمی دولت سعودی و حجاز است و طریقه خود را محمدی مینامند و تعالیم حنبلی را پیروی میکنند .

بعد از وفات حضرت محمد (ص) هر عالم دینی نه بخاطر تحکیم و تقویت اسلام کار کردن بلکه در تقویت شخصیت خود از هر نوع راه و روش دریغ نمیکردند و از هر نوع زور و فشار استفاده میکردند و یکتعداد از دانشمندان از شعیان انتقاد میکردند که باعث انشعاب اسلام شدند و شعیان بعد از وفات حضرت محد (ص) از اول در تعیین جانشینی مخالفت شدید خود را تبارز دادند که از طرف ابوبکر خلیفه اول سرکوب گردیدند زیرا ایشان مدعی اند که آیت قرآن موجود است که پیغمبر سه ماه پیش جاشین خود را علی انتخاب نموده و بر حسب عقیده شان حضرت محد (ص) پیغمبر سلام است و علی از طرف خداوند بولایت یعنی رهبر مسلمانان مامور ساخته شده ازینرو او را امیرالمومنین و مولای متقیان لقب داده اند . گرچه شعیان به فرقه های گوناگون منقسم شده اند و همه فرقه ها متفقند که حسن و حسین امامت را از علی بمیراث برده اند و این فرقه ها زیدیه که مبادی شان به اهل تسنن نزدیک است اختلاف شان نسبت به دیگر اهل تشیع انست که زید بن علی بن حسین را بجای برادرش محمد بن علی بن باقر امام پنجم میدانند و این فرقه در قرن سوم مطابق قرن نهم یلادی در یمن سلطنت را بوجود آورد .

**اثنا عشری :** این فرقه اکثریت عظیم شعیه را دارا میباشند و این لقب را از آنجهت برای شان داده اند که امت دوازدهگانه از علی گرفته تا محمد بن حسن مهدی منتظر (عج) را به امامت شناخته اند که امام دوازدهم یعنی امام مهدی که در سال (265 هجری ق مطابق 878م) در سرداب مسجد سامره شهری در شمال بغداد در ساحل دجله غیب شد و ایشان منتظر ظهر آن هستند .

**اسماعیلیه :** از ان سبب نام نهاده اند که بر عهد امامت اسماعیل فرزند اول امام جعفر صادق امام ششم ثابت و وفادار مانده اند . اسماعیل بعد از انکه از طرف پدر به عنوان جانشین تعیین شد بعدا معزول گردید و اسماعیل پنج سال پیش یعنی دسال 142 هجری قمری پیش از پدر وفات نمود بعدا شخصی نام عبدالله بن میمون از ایرانیان که یکی از اصحاب امت امام جعفر صادق بود جمعیت مخفی را تشکیل داد تا خلافت بنی عباس را سرنگون سازد ولی پلان آن عملی نشد و به شمال شام فرار نمود ولی انجمن های مخفی بعد از وفات آن در سال 297 هجری قمری مطابق 909م) سلطنت را در شمال افریقا بنام خلافت فاطمیان که نام سلسله خلفای شیعی که از سال (297 - 567 هجری قمری مطابق 909 - 1171 م) در مصر حکومت کردند که این حکومت از عبدالله مهدی علوی شروع که او انتساب به فاطمه زهرا کرده ان سلسله را بدان جهت فاطمیان خواندند . فرقه دیگر یکه از عبدالله بن میمون جدا شده بود بنام فرقه قرمطه بود که رهبر انرا یکی از شاگردان عبدالله بنام حمدان قرط که نام او را به ان فرقه نهاد اندو در قرن سوم سلطنت مستقل رادر سواحل خلیج فارس تاسیس نمود و از یمن الی عراق اسیتلا داشت . اگر دوستان میخواهند معلومات بیشتر در مورد داشته باشند میتوانند به تاریخ اسماعیلیان و دیگر کتاب های تاریخی و مذهبی مراجعه نمایند .

و همچنان باید گفت که در تحولاتاخیر یعنی جریانات قرن نزده تا کنون جنبش های سلای خد و بزرگ از بدنه اسلام در اثر تحولات سیاسی و اجتماعی و دینی ظهور نموده اند . ولی باید یاد آور شد که بعضی نظریات و عقاید از مذاهب کهن به مذاهب نوین انتقال نموده و انسانها هستند که آنرا به قانون الهی بدل ساخته اند.